

الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۵

سید حسین میرمعزی*

چکیده

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردم‌بنیاد است. یکی از عرصه‌های اقتصادی که مردم باید در آن نقش اصلی را بازی کنند، عرصه تولید است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که در اقتصاد مقاومتی نقش مردم در عرصه تولید چگونه است؟ و تولیدکننده در این اقتصاد چه چیزی را و چگونه تولید می‌کند؟ این تحقیق درصدد اثبات آن است که تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است. تولیدکننده جهادگر برای خدا و در راه او تمام توان فکری، بدنی و مالی خود را برای پیشینه کردن تولید مورد نیاز جامعه به کار می‌برد. در این پژوهش در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با فرض سرمایه ثابت نشان داده می‌شود که چنین تولیدکننده‌ای بهتر است برای استخدام عوامل تولید از روش مشارکت در سود استفاده کند تا حداکثر تولید را با بیشترین سود به دست آورد. در این صورت او سود مازاد بر حداقل میزان مورد نیاز خود را برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر به کار می‌برد. در صورتی که استفاده از روش مشارکت در سود به هر دلیلی ممکن نباشد، تولیدکننده جهادگر تولید خود را با قید دستیابی به حداقل سود مورد نیاز به حداکثر می‌رساند.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ (h.mirmoezi@gmail.com).

در پایان نیز متذکر شدیم که اگر تولید کننده در عرصه تولید جهاد نماید هدایت و نصرت الهی را به همراه خواهد داشت و نتایجی که به آن دست می‌یابد مضاعف خواهد شد. واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، الگوی رفتار تولید کننده، جهاد اقتصادی، تولید کننده جهادگر.

طبقه بندی JEL: D21, Z12, E23

۱. مقدمه

مقام معظم رهبری در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ برای اولین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح و فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم». ایشان در بیانات متعددی در طول چند سال برخی زوایای پنهان اقتصاد مقاومتی را نیز تبیین کردند و آن را مرتبط با شعارهای سال دانستند و همه اینها را حلقه‌های به هم پیوسته یک زنجیر توصیف کردند. تا اینکه در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط ایشان به صورت رسمی ابلاغ شد و ایشان در اولین سخنرانی خود پس از این ابلاغ و سخنرانی‌های متعدد دیگر به تفصیل به تبیین ضرورت‌ها و توجیه ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی پرداختند. در یک جمع‌بندی از بیانات ایشان می‌توان گفت از دیدگاه ایشان:

«اقتصاد مقاومتی، اقتصادی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه از توان تقویت اقتصاد و تحقق پیشرفت جهشی اقتصادی نیز برخوردار است. این نوع اقتصاد، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پذیر، عدالت‌بنیان، مردم‌بنیاد، با رویکرد جهادی است». مردم‌بنیاد بودن بدین معناست که مردم در این اقتصاد نقش اصلی را در عرصه‌های اقتصادی بازی می‌کنند و دولت نقش نگهبان، ناظر و مکمل مردم را به عهده دارد و به دنبال پر کردن خلأهاست.

یکی از عرصه‌های اقتصادی که مردم باید در آن نقش اصلی را بازی کنند، عرصه تولید است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که در یک اقتصاد مقاومتی نقش مردم در عرصه تولید چگونه است و تولیدکننده در این اقتصاد چه چیزی را و چگونه تولید می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا پیشینه موضوع بررسی می‌شود. سپس روش الگوسازی در اقتصاد متعارف بیان و نقد می‌گردد و بر اساس مبانی معرفت-شناسانه اسلامی روش مورد نظر ارائه می‌شود. برای تبیین الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی، ابتدا اقتصاد مقاومتی تعریف و نسبت آن با اقتصاد اسلامی توضیح داده می‌شود و این نتیجه حاصل می‌گردد که اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است که در آن به دلیل شرایط ویژه، استقلال اقتصادی در میان اهداف این نظام اولویت نخست دارد و جهاد اقتصادی بر دولت و مردم واجب شده است.

سپس رفتار جهادی و جهاد اقتصادی و وجوب آن توضیح داده می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی، جهادی است. در ادامه با این تلقی از اقتصاد مقاومتی با استفاده از ابزارهای ریاضی و هندسی رفتار تولیدکننده جهادگر در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با دو فرض استخدام عوامل تولید به روش مشارکت و استخدام این عوامل به روش اجاره توضیح داده می‌شود. در پایان نیز یادآوری می‌شود که جهاد در عرصه تولید موجب هدایت و نصرت الهی است و نتایج پیش گفته را دوچندان می‌کند.

۲. پیشینه اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در پیام‌های نوروزی خود سال ۱۳۸۸ را سال «اصلاح الگوی مصرف» و سال ۱۳۸۹ را سال «همت مضاعف و کار مضاعف» نامیدند. سپس در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶

برای اولین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم».

پس از آن سال ۱۳۹۰ را به سال «جهاد اقتصادی» و سال ۱۳۹۱ را به سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه داخلی» و سال ۹۲ را سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» و سال ۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام‌گذاری کردند و در بیانات خود به مناسبت‌های مختلف شعار آن سال و زوایای پنهان آن و راهبردها و سیاست‌های متناسب با آن را تبیین فرمودند.

در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ نیز سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و در چند سخنرانی پس از آن ضرورت‌ها، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را تبیین کردند. از سال ۱۳۸۹ که اقتصاد مقاومتی مطرح شده است تاکنون در شرح و تفسیر آن مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده که مهم‌ترین آنها در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: مهم‌ترین آثار در خصوص اقتصاد مقاومتی

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۱	اقتصاد مقاومتی؛ زمینه‌ها و راهکارها	عباسعلی اختری	امیرکبیر / ۱۳۹۲
۲	اقتصاد مقاومتی، سکوی پیشرفت و عدالت؛ تبیین اقتصاد مقاومتی در بیان مقام معظم رهبری	مهدی صیادی، وحید عزیزی، محمد امیر هاشم‌پور	موسسه فرهنگی خاکریز ایمان و اندیشه نشر خیزش نو / ۹۳/۱۲/۲۵
۳	جهاد اقتصادی با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی	مجموعه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در تبیین جهاد اقتصادی، اهداف و الزامات و نتایج آن	انتشارات انقلاب اسلامی / ۱۳۹۴

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۴	اقتصاد مقاومتی	حسین دری نوگورانی، اصغر صالح اصفهانی	اداره اقتصادی معاونت طرح و برنامه و بودجه ستاد کل نیروهای مسلح / ۱۳۹۲/۱۲
۵	مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی	حسام‌الدین خلیلی	عماد فردا/۱۳۹۳
۶	اقتصاد مقاومتی	معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان بسیج کارمندان کشور	اوقاف/۱۳۹۲
۷	اقتصاد مقاومتی	محمدحسین روشنگر	امید مهر / ۱۳۹۲
۸	«اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل»	حجت‌الله عبدالملکی	انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) و به اهتمام مؤسسه علمی - فرهنگی سدید
۹	مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف «مبادی علمی و نظری» ^۱	عادل پیغامی، مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی	مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) / ۱۳۹۴
۱۰	مجموعه اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی	مجموعه مصوبات شورای اقتصاد	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، امور کمیسیون‌ها، دبیرخانه‌ها و شوراهای اقتصادی (شورای اقتصاد)

۱. در این جلد، مفاهیم دارای قرابت با اقتصاد مقاومتی در ادبیات متعارف احصاء شده است که هر کدام از آنها دارای تاریخچه، تعریف و مدل‌های مشخصی در ادبیات متعارف اقتصادی است. این مجلد شامل تالیف، ترجمه، تحشیه و تلخیص^۱ نه گزارش، مقاله و بخش‌هایی منتخب از برخی کتب با موضوع تاب‌آوری و آسیب‌پذیری است.

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۱۱	«درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی»؛ تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب	عادل پیغامی	انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق(ع) / ۱۳۹۳
۱۲	«مبانی دینی اقتصاد مقاومتی»	غلامعلی نعیم‌آبادی	۱۳۹۳
۱۳	اقتصاد مقاومتی	سیده فاطمه مقیمی	نشر ورجاوند ۱۳۹۴
۱۴	اقتصاد مقاومتی از منظر دینی (مجموعه مقالات)	حجت الله نیکی ملکی و علی حاجی خانی	انتشارات کتابدار / ۱۳۹۴

همچنین در این موضوع همایش‌های علمی متعددی برگزار شده است که عبارتند از:

۱. همایش ملی اقتصاد مقاومتی، دانشگاه علم و صنعت، اردیبهشت ۱۳۹۱؛
۲. همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، رشت، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۱.
۳. مروری بر تاریخ اقتصاد مقاومتی در ایران، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲؛
۴. اقتصاد مقاومتی، ابعاد و راهکارها، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۵. اقتصاد مقاومتی، مازندران، ساری، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱.
۶. همایش تخصصی اقتصاد مقاومتی، اردبیل، بسیج اساتید، ۱۳۹۴
۷. اقتصاد دانش‌بنیان معبر اقتصاد مقاومتی، تهران، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، اسفندماه ۱۳۹۳.
۸. اقتصاد مقاومتی از منظر دین، قم، کمیسیون مطالعات اسلامی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳.
۹. اقتصاد مقاومتی؛ راهکارها و چالش‌های پیش رو، اردیبهشت ۱۳۹۲.
۱۰. کنگره ملی اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۹۳.

۱۱. اقتصاد مقاومتی، چالش‌ها، واقعیت‌ها، راهکارها، دانشگاه رازی کرمانشاه، اردیبهشت ۱۳۹۴.

همچنین در این باره «شرکت پژوهشی طرود شمال» که ارائه دهنده خدمات علمی است، مجله‌ای با عنوان international journal of resistive Economics چاپ می‌کند و تاکنون هفت شماره از این مجله به چاپ رسیده است. مقالات این مجله به‌طور عمده با تأکید بر اتکاء بر درون یا درون‌گرایی در پنج محور اقتصاد و مدیریت جنگ، اقتصاد تحت تحریم، اقتصاد و مدیریت نفت و گاز، اقتصاد سبز، کارآفرینی به بررسی اقتصاد ایران با ادبیات اقتصاد متعارف می‌پردازد. افزون بر این مقاله‌های علمی پژوهشی و علمی ترویجی متعددی نوشته شده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ (جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۱ تا ۴۶)؛
۲. اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران (هزاویی، ۱۳۹۳، ص ۹ تا ۲۶)؛
۳. الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (سیف، ۱۳۹۱، ص ۵ تا ۲۲)؛
۴. اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸ تا ۱۵۹)؛
۵. مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی (خلیلی؛ ۱۳۹۱ از ص ۲۴ تا ۴۳)؛
۶. از جهاد اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی (عرب نژاد، ۱۳۹۱ از ص ۹۶ تا ۱۰۲)؛
۷. اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۴۹ تا ۷۶)؛
۸. بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش (محمد مقدم و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷ تا ۱۲۰)؛

۹. تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی (اصغری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷ تا ۱۶۰)؛
۱۰. جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (طهماسبی بلداجی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱ تا ۱۵۸)؛
۱۱. مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ا. (سیف، ۱۳۹۲، ص ۸۹)؛
۱۲. نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۲۵)
- در برخی از این مقاله‌ها، اقتصاد مقاومتی در چارچوب مفاهیم و نظریات اقتصاد متعارف تعریف و سعی شده است تا اقتصاد مقاومتی به یکی از مفاهیم نظیر در ادبیات اقتصادی متعارف تفسیر شود و اشاره‌ای به نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی نشده است. در تعداد اندکی از مقاله‌ها و کتاب‌ها تصریح شده که اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی باشد؛ ولی چگونگی این ارتباط به صورت منطقی و علمی توضیح داده نشده که این مقاله درصدد رفع این کمبود است.
- در ادبیات اقتصاد متعارف مباحثی همچون اقتصاد حمایتی، اقتصاد جنگ، اقتصاد ریاضتی، اقتصاد تحریم و تاب آوری اقتصادی بحث شده است. تنها مقوله اخیر یعنی تاب آوری اقتصادی است که با بحث اقتصاد مقاومتی نزدیکی دارد. مقوله تاب آوری طی چهار دهه گذشته در حوزه‌هایی چون انواع رشته‌های فنی مهندسی، اقتصاد، روانشناسی و... به قدری مورد استفاده دانشگاهیان و سیاستگذاران و مدیران اجرایی دنیا- از سطح ملی گرفته تا سطوح عملیاتی و شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی و تجاری و حتی خانوارها و افراد - قرار گرفته که امروزه به گفتمانی رایج و همگانی تبدیل شده است و ادبیات بسیار مفصلی در باب تعیین و سنجش وضعیت موجود هر سیستم به لحاظ تاب آوری، استقرار سیستم‌های تاب آور و... تولید شده است.

ادبیات علمی این بحث توسط پیغامی و همکاران (۱۳۹۴) به صورت مفصل بحث کرده‌اند و مجال تفصیل این بحث در این مقاله نیست.

۳. پیشینه رفتار تولیدکننده جهادگر

در ادبیات علمی موضوعی در این خصوص یافت نشد. البته این امری طبیعی است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی چند سالی است که مطرح شده و هنوز بحث در کلیات آن است و مباحث علمی به تبیین الگوهای رفتاری در این اقتصاد نرسیده است. با این وجود، از آنجا که اقتصاد مقاومتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و انقلابی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است، می‌توان مطالعاتی که در ادبیات علمی اقتصاد اسلامی در این باره وجود دارد را به عنوان پیشینه مرتبط با این بحث ذکر کرد؛ زیرا الگوی مورد نظر این مقاله نیز تا حدودی برآمده از این مطالعات است.

درباره الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان مطالعات خوبی انجام شده است که به مهم‌ترین آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود. پژوهشگران اقتصاد اسلامی معتقدند که رفتار تولیدکننده مسلمان در اقتصاد اسلامی با رفتار تولیدکننده در اقتصاد سرمایه‌داری متفاوت است و این تفاوت ناشی از آن است که برای تولیدکننده مسلمان غیر از سود مادی، مصالح اجتماعی و ثواب آخرتی نیز مطرح می‌شود. اختلاف در چگونگی وارد کردن ملاحظات اجتماعی و آخرتی در نظریه رفتار تولیدکننده است. در این باره اندیشمندان یاد شده به چند گروه تقسیم می‌شوند:

برخی چون عبدالمنان تحلیل درآمد و هزینه نهایی را برای بررسی رفتار تولیدکننده مسلمان کارآندانسته، قیمت‌گذاری براساس هزینه کامل را برای تحلیل رفتار وی ترجیح می‌دهند؛ با این حال، وی توضیح نمی‌دهد که چگونه قیمت‌گذاری هزینه کامل، ملاحظات بشردوستانه را منعکس می‌کند (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۰-۲۴۶).

برخی همچون متوالی (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱-۲۶۱) و مرطان (۱۹۹۲) و بن جیلالی و طاهر^۱ (۱۹۹۰) و صفر^۲ (۱۹۹۸) و حلاق^۳ (۱۹۹۵) در تابع هدف، در کنار سود، اهداف دیگری همچون کارهای خیر یا مصالح اجتماعی را نیز وارد کردند. آنها بیشینه کردن تابع چند هدفی را انگیزه رفتار تولیدکننده مسلمان فرض می‌کنند. عزتی (۱۳۸۹) نیز در این گروه قرار می‌گیرد؛ زیرا معتقد است هدف انسان از همه کردارهای خود مانند مصرف و تولید، بیشینه کردن رضایت خاطر زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ است. ایشان بر این اساس الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان را پیشنهاد می‌کند.

قحف (۱۳۷۶، ص ۲۶-۳۴)، البعلی (۱۴۲۱، ص ۱۰۱) و یونس المصری (۱۴۲۱، ص ۱۲۵-۱۲۹)، ملاحظات اجتماعی و آخرتی را به شکل قیود وارد تابع سود کرده‌اند و انگیزه تولیدکننده مسلمان را بیشینه کردن سود در چارچوب قیود یاد شده دانسته‌اند. محمد امین و عبدالله یوسف (۲۰۰۳) سود با قید مصلحت را به عنوان مبانی بیشینه سازی می‌پذیرند.

همچنین زنگی نژاد (۱۳۹۲) می‌گوید: تابع تولید اسلامی، همواره یک تابع مقید می‌باشد و این ویژگی موجب کارایی آن می‌شود. هدف بنگاه در فرایند تولید با توجه به نوع مالکیت بنگاه تعیین می‌شود. مهم‌ترین قید دخیل در نظریه تولید اسلامی در بعد کلان، خودکفایی و استقلال اقتصادی و سیاسی می‌باشد و در بعد خرد قیود ناشی از مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی در کنار قیود ناشی از محدودیت منابع و محدودیت تکنولوژی بر تولید اثر می‌گذارند.

صدیقی بین دو فرض تفصیل می‌دهد. در فرض نخست به عقیده کارفرما

-
1. Bendjilali and Taher.
 2. al-Safar.
 3. Hallaq.

تقاضای بازار بیانگر عدالت و نیازمندی‌های واقعی جامعه است. در این فرض که فرضی غیرواقعی شمرده می‌شود، انگیزه تولیدکننده مسلمان همچون تولیدکننده غیرمسلمان بیشینه‌سازی سود است. در فرض دوم که فرضی واقعی شمرده می‌شود، احساس کارفرمای مسلمان از عدالت و نوع‌دوستی با آنچه تقاضای بازار دیکته می‌کند، متفاوت است. در این صورت، هدف او حرکت در جهت مصالح اجتماعی با حفظ حداقل سود است (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴ - ۲۷۵).

عسکری و عنان‌پور (۱۳۹۲، ص ۱۰۳) هدف اقتصادی تولیدکننده مسلمان را تولید کالا برای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش در راستای هدفی والاتر یعنی هدف از خلقت او که همان عبادت است معرفی می‌کنند. نگارنده (۱۳۸۳) به این نتیجه رسیده است که در اقتصاد اسلامی از جهت انگیزه دو نوع بنگاه وجود دارد: نخست، بنگاهی که سود خود را در چارچوب قوانین اسلامی حداکثر می‌کند. این نوع بنگاه در بخش خصوصی نظام اقتصادی فعالیت می‌کند؛ دوم، بنگاهی که انگیزه‌اش افزایش تولید کالاهای مورد نیاز جامعه در چارچوب قوانین اسلامی است. این نوع بنگاه در بخش سوم یا بخش اجتماعی نظام اقتصادی فعالیت می‌کند. هر یک از این دو نوع بنگاه نیز یا در بازار اجاره فعالیت می‌کنند و یا در بازار مشارکت. بدین ترتیب نگارنده الگوی رفتار تولیدکننده را در چهار فرض استخراج کرده است.

چنانکه در ابتدای این بحث گذشت درباره الگوی رفتار تولیدکننده در یک اقتصاد مقاومتی پیشینه‌ای وجود ندارد و سابقه‌ای که ذکر شد در ارتباط با رفتار تولیدکننده مسلمان است. بر اساس تعریفی که از اقتصاد مقاومتی ارائه شد، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و انقلابی و الگویی از نظام اقتصادی اسلام است؛ لذا از این پیشینه در ارتباط با رفتار تولیدکننده مسلمان در یک اقتصاد مقاومتی الهام گرفته خواهد شد. چنانکه اثبات خواهد شد تولیدکننده

در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است که تمام تلاش فکری و بدنی و مالی خود را برای تولید در راه خدا و برای خدا به کار می‌برد. در حقیقت در تابع هدف چنین تولیدکننده‌ای مصالح اجتماعی و آخرتی در قالب تولید برای کمک به تأمین نیازهای جامعه و حفظ استقلال کشور و دفع تهاجم اقتصادی دشمن اصالت می‌یابد و هدف سود شخصی از تابع هدف حذف می‌شود و یا به عنون قید چنین تابعی ظاهر می‌شود.

از این رو، لازم است با الهام از مدل‌های ارائه شده در ادبیات رفتار تولیدکننده مسلمان مدل رفتار تولیدکننده جهادگر تبیین شود. به نظر نویسنده این سطور مدل رفتار تولیدکننده جهادگر باید به دو پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست، تولیدکننده جهادگر چه چیزی را تولید می‌کند؟ دوم، هدف اقتصادی این تولیدکننده از تولید چیست؟ و چه چیزی را بیشینه می‌کند؟

نگارنده در این مقاله برای پاسخ به پرسش دوم از مدلی که در مقاله سال ۸۳ خود درباره الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان تدوین کرده الهام گرفته است. دلیل آن نیز نقدی است نگارنده نسبت به مدل‌های دیگر دارد. وارد کردن انگیزه‌هایی همچون ثواب اخروی و مصالح اجتماعی و مانند آن در تابع تولید در حقیقت وارد نمودن انگیزه‌های دور و غیر اقتصادی در یک تابع اقتصادی است. نظریه-پرداز در این زمینه باید نشان دهد که این انگیزه‌ها مستلزم چه انگیزه اقتصادی برای تولیدکننده در عرصه تولید است و آن انگیزه را وارد تابع تولید کند.

۴. روش علم اقتصاد در الگوسازی

شکلی از ابطال‌گرایی که اقتصاددانان به‌ویژه از زمان استوارت میل آن را دنبال می‌کنند، روش فرضیه‌ای-استنتاجی است. مارک بلاگ در این باره می‌گوید: در اواسط قرن نوزدهم، دیدگاه متعارف در مورد علم آن بود که بررسی‌ها و تحقیقات علمی با مشاهده آزاد و بی‌طرفانه حقایق آغاز می‌شود، سپس با

استنتاج استقرایی و تنظیم قوانین کلی درباره این وقایع ادامه می‌یابد و در نهایت از طریق استقرا به گزاره‌هایی دست می‌یابد که کلیت بیشتری دارند و نظریه خوانده می‌شوند.

بررسی صحت نظریه‌ها و قوانین از طریق مقایسه پیامدهای تجربی آنها با واقعیات مشاهده شده صورت می‌گیرد، یعنی همان واقعیاتی که نقطه آغاز پژوهش‌ها بوده‌اند. این دیدگاه استقرایی نسبت به علم که در کتاب جان استوارت میل، نظام منطقی، تعقلی و استقرایی که به‌طور کامل در ۱۸۴۳ انتشار یافت و تا امروز هم بیانگر دیدگاه عوام در مورد علم است، به تدریج در نیمه دوم قرن نوزدهم، تحت تأثیر نوشته‌های ارنست ماخ، هانری پوانکاره و پی‌یر دوئم فرو ریخت. در نتیجه، مدل فرضیه - قیاسی تبیین علمی تقریباً در بست جایگزین آن شد و در آغاز قرن بیستم در آثار متفکران حلقه وین و پراگماتیست‌های امریکایی نمایان شد.

با این وصف، تنها در ۱۹۴۸ بود که مدل فرضیه‌ای - قیاسی به شکل صوری آن و به مثابه تنها شکل معتبر تبیین در علم تدوین شد. این شکل معتبر از تبیین علمی نخستین بار در مقاله‌ای از کارل همپر و پیتر اپنهایم (۱۹۶۵) که اکنون شهرت زیادی دارند، منتشر شد. آنان در این مقاله استدلال کردند که تمام تبیین‌های واقعاً علمی دارای ساختار مشترک منطقی هستند. این تبیین‌ها مستلزم حداقل یک قانون کلی به اضافه گزاره‌ای درباره شرایط مرزی یا اولیه مربوطه‌اند که در مجموع تشکیل دهنده مفسر یا مقدماتی هستند که از آنها متبیین (یعنی گزاره‌ای درباره واقعه‌ای که در پی تبیین آن هستیم) به کمک قواعد منطقی قیاسی استنتاج می‌شود.

منظور از یک قانون فراگیر قضیه‌ای از این قبیل است که «در تمام مواردی که رویدادهای A وقوع یابند، رویدادهای B نیز حادث می‌شوند»، چنین قوانین عام و فراگیری ممکن است از نظر ارجاع به رویدادهای منفرد B شکلی محتوم یا از

نظر ارجاع به دسته‌ای از رویدادهای B شکلی آماری داشته باشند (بنابراین قوانین آماری به این شکل بیان می‌شوند: «در تمامی مواردی که رویدادهای A وقوع می‌یابند، رویدادهای B نیز به احتمال P، که در آن $0 < P < 1$ حادث می‌شوند»). منظور ما از قوانین منطق قیاسی، نوعی استنتاج قیاسی خطاناپذیر از این گونه است: «اگر A صادق باشد، آنگاه B به شرط صدق A درست باشد، بنابراین B نیز صادق خواهد بود» (این نمونه‌ای است از آن چیزی که منطق‌دانان آنرا قیاس شرطی (استثنایی) متصل می‌خوانند).

ضرورتی بر تأکید به این نکته نیست که منطق قیاسی یک دستگاه محاسبه تجریدی است و اعتبار منطق استدلال استنتاجی به هیچ‌وجه بستگی به صدق مادی هیچ‌یک از دو مقدمه کبری یعنی «اگر A صادق باشد، آنگاه B نیز صادق است» و یا مقدمه صغرای استنتاج یعنی «A صادق است» ندارد. (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۴۲). غنی‌نژاد نیز در این باره می‌گوید:

«این نظریه که امروز بیشترین مقبولیت را بین دانشمندان و فلاسفه دارد، تبیین علمی را عبارت می‌داند از استنتاج یک قضیه در مورد یک واقعه بر مبنای دست‌کم یک قانون کلی که در ارتباط با مجموعه شرایط اولیه یا محدود قرار دارد. برای تبیین علمی باید قوانین کلی را که همان فرضیه‌های تجربی ناظر به نظم در امور طبیعی یا اجتماعی است - با عباراتی که حاکی از شرایط خاص وقوع حادثه است همراه کنیم تا از آن دو بتوانیم عباراتی را که حاکی از پیامدهای تجربی حادثه است، به نحو منطقی استنتاج کنیم. به‌طور خلاصه روش مورد توافق اکثریت اقتصاددانان این است که ابتدا با استفاده از فرضیه‌های معتبری، تصویر ساده شده‌ای از واقعیات منظم ارائه می‌شود که آن را تئوری، الگو یا مدل می‌نامند، سپس شرایط خاص یک واقعه معین در چارچوب این تصویر عام توضیح داده می‌شود و پیامدهای منطقی آن استنتاج می‌گردد» (۱۳۷۶، ص ۲۵).

به صورت خلاصه این روش مشتمل بر چهار مرحله است: اول، انتخاب

فروضی که به منزله شرایط اولیه و مقدمات قیاسند؛ دوم، استنتاج یک قاعده کلی مربوط به پدیده مورد مطالعه از فروض منتخب از طریق قیاس و برهان؛ سوم، تبیین پدیده مورد مطالعه و پیش بینی درباره آن به وسیله آن قاعده کلی و چهارم، آزمون نتایج از طریق داده‌های قابل مشاهده؛ همان‌گونه که بلاگ تصریح کرده است که اعتبار استنتاج قاعده کلی از مقدمات مفروض مبتنی بر رعایت قواعد منطق در قیاس است و هیچ‌گاه صحت قاعده کلی به وسیله آزمون ابطال نمی‌شود. آنچه به وسیله آزمون ابطال می‌گردد در حقیقت صدق این قاعده بر خارج است.

از آنجا که این مقاله به دنبال تبیین یک پدیده خارجی نیست؛ بلکه هدف توضیح رفتار تولیدکننده مسلمان در یک اقتصاد مقاومتی است، در حقیقت در مقام توضیح الگوی مطلوب رفتار تولیدکننده در چنین اقتصادی است، لذا از این روش تا مرحله سوم استفاده می‌شود. با وجود این، بر اساس مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی استفاده از این روش منوط به شرط‌های زیر است:

اول، فرض‌ها باید از آموزه‌های اسلامی گرفته شود و مطابق با مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه اسلامی باشد؛ دوم، استدلال به فروض باید از نظر قواعد علم منطق صحیح باشد؛ سوم، نتیجه باید با آموزه‌های اسلامی سازگار باشد.

گفتنی است تمامی اندیشمندان اسلامی که درباره رفتار تولیدکننده نظریه‌پردازی کرده‌اند، در استفاده از این روش سعی بر رعایت این شرط‌ها داشته‌اند و بهره‌برداری از ریاضیات و نمودارهای هندسی، استفاده ابزاری برای توضیح آموزه‌های اسلامی در این باره بوده است. اختلاف نظریه‌پردازان در این باره ناشی از اختلاف در برداشت آنها از آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس این توهم که این‌گونه نظریه‌پردازی نوعی اسلامی‌سازی الگوهای غربی و بازی کردن در زمین غرب و حاشیه زدن بر متن آنهاست، توهمی سطحی و ناشی از عدم اطلاع از مبانی معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه اسلامی است.

۵. اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

مقام معظم رهبری در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغی تصریح کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است. بر اساس یک تعریف «نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف است که از کتاب و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و عقل استنباط می‌شود. الگوهای مزبور چگونگی پیوند شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی (مردم و دولت) به یکدیگر و به منابع اقتصادی در جهت اهداف اقتصادی اسلام را تبیین می‌کنند» (ر.ک. میرمعزی، سید حسین، ۱۳۹۰، ص ۴۷).

نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ویژه‌ای است. این مبانی ثابت و غیر قابل تغییر در شرایط و وضعیت‌های گوناگون هستند (ر.ک. همان، ص ۱۴۹-۵۷). همچنین هدف غایی این نظام فراهم آوردن زمینه‌های اقتصادی سعادت فرد و جامعه انسانی و اهداف میانی آن عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور ساختن استعدادهای طبیعی است (ر.ک. همان، ص ۲۰۹-۱۴۹).

این نظام دارای اصول مذهبی یا راهبردی ویژه همچون حاکمیت مصالح فرد و جامعه، دولت مصالح، آزادی همراه با مسئولیت مردم در برابر اهداف نظام و مصالح جامعه، حاکمیت اصل رقابت سالم و تعاون بر رفتارهای اقتصادی مردم، تحریم ربا و اصول توزیع درآمد و ثروت است که چارچوب حرکت سمت اهداف نظام اقتصادی اسلام را تعیین می‌کنند (ر.ک. همان، ص ۴۴۹-۲۰۹).

نظام اقتصادی اسلام نظامی جهان‌شمول و زمان‌شمول است. این نظام می‌تواند به تناسب تفاوت شرایط زمان‌ها و مکان‌ها الگوهای متفاوتی داشته باشد. اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است که متناسب با شرایطی می‌باشد که کشور اسلامی با دشمنانی با قدرت اقتصادی قوی‌تر مواجه

است. در این شرایط دو تغییر اساسی رخ می‌دهد: یکی آنکه در منظومه اهداف، استقلال اقتصادی اولویت می‌یابد و به تناسب آن راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها تغییر می‌کند؛ دوم اینکه جهاد اقتصادی به عنوان یک واجب شرعی بر رفتارها و روابط دولت و مردم حاکم می‌شود.

بر این اساس با ورود عنصر جهاد اقتصادی در الگوهای رفتاری و روابط نظام اقتصادی اسلام، این الگوها تبدیل به الگوهای اقتصاد مقاومتی می‌شوند.

۶. جهاد اقتصادی

در لغت آمده است: الجِهَادُ و المَجَاهِدَةُ: استفراغ الوسع فی مدافعة العدو (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ یعنی آنکه انسان تمام توانایی خود را در دفاع در مقابل دشمن صرف کند. در قرآن کریم به جهاد در راه خدا و برای او امر شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا و ... وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج، آیه ۷۷ و ۷۸)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و... در راه خدا چنانکه باید جهاد کنید».

علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه می‌فرماید: «معنای اینکه فرمود جهاد کنید حق جهاد این می‌شود که جهاد شما در معنای جهاد خالص باشد؛ یعنی فقط جهاد باشد (نه هم جهاد و هم تجارت یا سیاحت یا غیر آن) و نیز خالص برای خدا باشد و غیر خدا در آن شرکت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۸۲). در ادبیات قرآنی و روایی کلمه جهاد همواره با این دو ویژگی (برای خدا و در راه او) همراه است. بر این اساس می‌توان گفت جهاد در این ادبیات تلاشی همراه با ویژگی‌های زیر است:

اول، در برابر دشمن است؛ دوم، انگیزه آن الهی و برای خداست؛ سوم، تلاش در راه خدا و برای اعتلای اسلام و مسلمانان است؛ چهارمف با صرف همه توان فکری، بدنی و مالی است.

جهاد اقتصادی تلاشی با ویژگی‌های یاد شده در عرصه‌های مختلف رفتارهای اقتصادی (مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، کار، ...) در بخش‌های اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات و...) است. جهاد اقتصادی وقتی مطرح می‌شود که دشمن تهاجم اقتصادی کرده یا درصدد تهاجم اقتصادی است.

- وجوب جهاد اقتصادی

جهاد بر اساس حدیث معتبر نبوی^۱ به جهاد با نفس و دشمن تقسیم شده است و شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه ابوابی را با عنوان ابواب جهاد با دشمن^۲ و در کتب و رساله‌های فقهی شرایط وجوب و احکام جهاد با دشمن بیان شده است. در کتاب‌های روایی و فقهی، مقصود از جهاد با دشمن، جهاد نظامی است. جهاد نظامی با دشمن به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. جهاد ابتدایی برای دعوت کفار به اسلام است و جهاد دفاعی برای دفاع از اسلام و مسلمانان و سرزمین آنها از تسلط کافران است.

فقیهان وجوب جهاد دفاعی را یک ضرورت عقلی و شرعی دانسته‌اند و برای اثبات وجوب کفایی جهاد دفاعی به ادله عقلی و آیات و روایات تمسک کرده‌اند که در این مقاله مجال ذکر آنها نیست. (ر.ک. منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۱، الورعی، ۱۴۲۴، ج ۳۲، ص ۱۲۵).

ادله وجوب جهاد دفاعی، وجوب کفایی این نوع جهاد را اثبات می‌کند. وجوب کفایی به این معناست که نخست، جهاد بر همه واجب می‌شود و اگر تعدادی به قدر کفایت به آن پرداختند از دیگران ساقط می‌شود. مقتضای وجوب

۱. کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵، باب ۱۲ (باب وجوه الجهاد...)، ص ۹؛ عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَعَثْتُ بَسْرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحِبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ.

۲. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۹.

کفایی آن است که گستره وجوب جهاد به اندازه گستره تهاجم دشمن باشد. اگر گستره تهاجم دشمن محدود باشد به گونه‌ای که اگر تعداد محدودی به جهاد قیام کنند تهاجم دشمن دفع می‌شود، در این صورت گستره جهاد محدود است و اگر گستره تهاجم دشمن وسیع باشد باید تعداد بیشتری جهاد کنند تا تهاجم دفع شود. گرچه محور بحث فقیهان جهاد، نظامی دفاعی است؛ ولی بسیاری از ادله‌ای که به آن استناد شده به ویژه ادله عقلی شامل جهاد دفاعی در عرصه‌های دیگر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌شود. افزون بر این از طریق تنقیح مناط می‌توان حکم به وجوب جهاد دفاعی با دشمن در عرصه‌های دیگر همچون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کرد. جهاد دفاعی نظامی برای حفظ اساس اسلام و شعائر آن و حفظ جان‌ها و اموال و سرزمین مسلمانان از تسلط کفار است.

برخی فقیهان به علت وجوب جهاد دفاعی تصریح کرده‌اند. برای نمونه ابوالصلاح حلبی می‌گوید: «علت وجوب جهاد دفاعی جلوگیری از مضمحل شدن حق و خراب شدن دار الایمان و یاری شرک و کفر است» (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۲). صاحب جواهر نیز در این باره می‌گوید: «اگر کفار اراده محو کردن اسلام و مندرس نمودن شعائر آن و عدم ذکر محمد (ص) و شریعت او را نمودند، در این صورت هیچ اشکالی در وجوب جهاد نیست» (النجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱ ص ۴۷). و عبدالحسین لاری در این باره می‌گوید: «عزت و عظمت دین و هلاک و افتضاح کافرین، حفظ اساس اسلام و شکستن اصنام و اوثان، حفظ احکام حلال و حرام الهی و ظهور حق و عدل و استقامت و ابطال کفر و ظلم و فسق همگی از آثار و برکات جهاد در راه خدا است» (اللاری، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۹). همچنین کاشف الغطا می‌گوید: «جهاد دفاعی برای دفع کفار از شهرها و روستاها و زمین‌های مسلمانان و اخراج کفار بعد از تسلط آنها بر این امور و برای حفظ اساس اسلام بعد از شکستن آن و اصلاح آن بعد از لطمه دیدن آن و سعی در نجات مسلمین از دست کافرین است» (کاشف الغطاء، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۷).

همچنین تقریباً همه آیات امر به جهاد با مال و جان در راه خدا مطلقند و شامل جهاد در عرصه‌های غیر نظامی نیز می‌شوند. برخی از این آیات عبارتند از: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید؛ «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه، ۴۱)؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید این برای شما بهتر است اگر بدانید؛ «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه، ۸۸)؛ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند و همه نیکی‌ها برای آنهاست و آنها همان رستگاراند؛ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج، ۷۸)؛ و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید!.

بر این اساس جهاد دفاعی در هنگامی که دشمن حمله کند واجب کفایی است و در هر عرصه‌ای که دشمن حمله نماید جهاد نیز در همان عرصه واجب است. اگر تهاجم نظامی باشد جهاد نظامی واجب است و اگر تهاجم فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی باشد، جهاد فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی واجب می‌شود.

همچنین گستردگی تعداد افرادی که باید جهاد کنند، متناسب با گستردگی میزان تهاجم است. اگر تهاجم فراگیر و گسترده باشد به گونه‌ای که لازم باشد برای دفع آن زن‌ها و بچه‌ها قیام به جهاد کنند لازم است که چنین شود.

در زمان ما کفار قصد محو اسلام و تسلط بر سرزمین‌های اسلامی را دارند. دشمنان امروز برای دستیابی به مقصود خود غیر از هجوم نظامی از تهاجم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کنند. بحث این مقاله درباره تهاجم اقتصادی کفار است. تحریم اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای تهاجم کفار

است. گرچه این تحریم از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال‌های جنگ تحمیلی و پس از آن در دوران بازسازی همواره وجود داشته است؛ ولی در سال‌های اخیر ابعاد وسیعی به خود گرفته است.

به موجب تحریم‌های وضع شده از مردادماه سال ۹۲ هرگونه همکاری شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی با صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران یا بانک مرکزی ممنوع شده است. همچنین مجازات‌هایی برای کسانی که به صادرات نفت خام ایران کمک می‌کنند در نظر گرفته شده است. کسانی که به تغییر پرچم نفتکش‌های ایران کمک یا راه‌های دیگر فرار از تحریم‌ها را تأمین کنند نیز مجازات خواهند شد. به علاوه، تحریم‌های جدید، مبادلات نفت خام ایران با دیگر کالاها مانند غلات را نیز ممنوع می‌کنند. این در حالی است که تحریم‌های پیشین تنها مبادلات مربوط به فروش نفت خام ایران را هدف قرار داده بود. از سوی دیگر خرید و فروش اوراق قرضه دولت ایران نیز شامل تحریم شده است.

نکته قابل توجه آن است که در این تحریم‌ها کشورهای اروپایی و برخی کشورهای آسیایی و عربی و حتی برخی کشورهای اسلامی وابسته همچون عربستان سعودی نیز مشارکت دارند؛ تقریباً اجماعی علیه ایران اسلامی به وجود آمده، پدیده‌ای که تاکنون سابقه نداشته است. هدف این تحریم‌ها در ظاهر توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیان می‌شود؛ ولی در واقع هدف محو نظام اسلامی است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

«یک مسئله این است که ما امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم. سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریم‌ها گرچه بهانه‌اش مسئله انرژی هسته‌ای است؛ اما دروغ می‌گویند، عامل طرح مسئله تحریم‌ها، انرژی هسته‌ای نیست... هدف دشمن، زمین زدن جمهوری اسلامی است، یعنی زمین زدن ایران اسلامی، یعنی زمین زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با حمایت خود،

این نظام را تا امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده؛ بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبههٔ مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد، این جهاد اقتصادی می‌خواهد^۱. همان دلیلی که جهاد نظامی در برابر تهاجم نظامی دشمن برای براندازی نظام اسلامی را واجب می‌کند، اقتضا می‌کند که جهاد اقتصادی در برابر تهاجم اقتصادی دشمن برای براندازی نظام اسلامی واجب باشد. از این رو مقام معظم رهبری در بیانات خود در سالی که به عنوان سال جهاد اقتصادی اعلام فرمودند، جهاد اقتصادی را امری ضروری برای مردم و دولت دانستند. برخی تصریحات ایشان در این باره چنین است:

«من امسال را سال جهاد اقتصادی اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصهٔ اقتصاد است»^۲؛ «ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است»^۳؛ «جهاد اقتصادی متوجه یک نکتهٔ اساسی است در مسئلهٔ ادارهٔ کشور و مدیریت کشور و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است... برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئلهٔ اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است»^۴. ایشان معتقدند که جهاد اقتصادی تکلیف مسئولان کشور و کارگزاران دولت و مردم است؛ لذا می‌فرمایند:

«امسال همهٔ اجزای گوناگون ملت ما، مسئولین کشوری، مسئولین بخش‌های

۱. بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۹۰/۵/۲۶.

۲. بیانات در جمع مهندسان و کارگران صنعت نفت، ۹۰/۱/۸.

۳. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۰/۶/۶.

۴. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۹۰/۲/۷.

گوناگون استانی در گوشه و کنار کشور و آحاد مردم، همه باید این تلاش را برای خدا در پیش بگیرند»^۱.
ایشان جهاد اقتصادی را تکلیفی می‌دانند که تا زمانی که دشمن ما را تهدید می‌کند استمرار دارد و اختصاص به سال ۹۰ که به نام جهاد اقتصادی نامگذاری شده ندارد؛ از این رو در ابتدای سال ۹۱ فرمودند:

«به تشخیص من بر طبق گزارش‌ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه به این نتیجه می‌رسیم که عرصه چالش مهم در همین سال جاری که این سال امروز و از این ساعت شروع می‌شود عرصه اقتصادی است. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی برای ملت ایران یک ضرورت است»^۲. و در پیام نوروزی سال ۹۲ نیز تأکید می‌فرمایند که «لازم است هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه سیاست حضور مردم حضور جهادی باشد».

۷. الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر

نتیجه منطقی مطالبی که گذشت آن است که الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر است؛ یعنی الگوی رفتار تولیدکننده‌ای است که در عرصه تولید جهاد می‌کند. چنانکه پیشتر بیان شد جهاد در برابر دشمنی است که تهاجم کرده و رفتاری برای خدا و در راه خدا با صرف تمام توان فکری و بدنی و جانی برای دفع دشمن است. جهاد اقتصادی در عرصه تولید نیز باید دارای همین ویژگی‌ها باشد؛ یعنی تولید باید برای خدا و در راه او با صرف بیشترین توان باشد؛ اما این بیانی کلی و اجمالی از الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر است. برای توضیح تفصیلی این الگولازم است به دو پرسش پاسخ دهیم:

۱. تولیدکننده جهادگر با اوصافی که بیان شد، چه کالایی را تولید خواهد کرد؟

۱. بیانات در جمع مهندسان و کارگران صنعت نفت، ۹۰/۱/۸.

۲. پیام نوروزی ۹۱/۱/۱.

۲. تولیدکننده جهادگر با این اوصاف، چگونه تولید می‌کند؟

بی‌تردید او کالایی را تولید خواهد کرد که در تحقق استقلال اقتصادی و دفع تهاجم دشمن بیشترین نقش را داشته باشد. تولیدکننده جهادگر در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و خدماتی از میان کالاهایی که چنین ویژگی‌هایی دارند، کالایی را که متناسب با توانایی‌های فکری و بدنی و مالی اوست باید انتخاب کند. در این رابطه دولت به دلیل اطلاعات وسیعی که درباره تهاجم دشمن و وضعیت اقتصادی کشور در این بخش‌ها دارد می‌تواند با اولویت‌بندی تولید کالاها تولیدکنندگان جهادگر را راهنمایی کند.

همچنین او با صرف تمام توانایی‌های خود به گونه‌ای تولید خواهد کرد که بیشترین نتیجه یعنی مقدار تولید به دست آید تا بتواند به استقلال اقتصادی کشور و دفع تهاجم دشمن بیشتر کمک کند. بر این اساس هدف تولیدکننده جهادگر آن است که با صرف بیشترین توان فکری خود (انتخاب بهترین تکنولوژی) و بیشترین توان بدنی خود (تلاش در حد توان) و بیشترین توان مالی خود بیشترین مقدار تولید را محقق کند.

ممکن است که این پرسش به ذهن خطور کند که آیا تولیدکننده جهادگر به سود خود از فعالیت تولیدی فکر نخواهد کرد؟ پاسخ آن است که ویژگی رفتار جهادی آن است که برای خدا باشد و این ویژگی اقتضا می‌کند که در ابتدا سود در تابع هدف او وارد نشود؛ ولی از آنجا که استمرار تولید برای خدا مستلزم حداقلی از سود است؛ لذا او تابع هدف خود را باید مشروط به تحقق این مقدار از سود کند.

با وجود این با توجه به اینکه تولیدکننده برای استخدام نیروی کار و عوامل دیگر تولید از دو روش مشارکت در سود و اجاره می‌تواند استفاده کند و چنانکه در بحث بعدی اثبات خواهد شد، اگر از روش مشارکت در سود استفاده کند حداکثر تولید همراه با حداکثر سود قابل تحصیل است؛ لذا حداکثر تولید منافاتی با حداکثر سود ندارد. از این رو پیشنهاد می‌شود در صورت امکان تولیدکننده جهادگر از روش مشارکت در سود در استخدام نیروی کار و سایر عوامل تولید استفاده کند.

البته حتی در این صورت نیز تولیدکننده جهادگر سود مازاد بر حداقل سود مورد نیازش را برای توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری خواهد کرد تا بتواند بیشتر تولید کند.

۸. تبیین الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی به روش فرضیه‌ای - استنتاجی

چنانکه گذشت روش فرضیه‌ای^۵ استنتاجی با شروط سه گانه پیش گفته قابل استفاده در الگوسازی بر اساس مبانی اسلامی است. این روش با توجه به شروط پیشین مشتمل بر سه مرحله انتخاب فروض بر اساس آموزه‌های اسلامی و برهان منطقی به فروض و استنتاج نتایج است. فروض الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی بر اساس آنچه بیان شد، عبارت است از:

۱. اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است و تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی (تولیدکننده جهادگر) در حقیقت در نظام اقتصاد اسلامی رفتار می‌کند؛
۲. در این ظرف دو نوع بازار عوامل وجود دارد: یکی بازار اجاره عوامل و دیگری بازار مشارکت عوامل؛ از این رو، او می‌تواند نیروی کار و سایر عوامل تولید را به دو روش استخدام کند: یکی به روش مشارکت در سود و دیگری به روش اجاره عوامل؛
۳. تولیدکننده جهادگر تولیدکننده‌ای است که تولید را برای خدا و در راه او و با صرف تمام توان فکری، بدنی و مالی خود انجام می‌دهد؛
۴. تولیدکننده جهادگر کالایی را تولید می‌کند که مورد نیاز جامعه است و در راستای تحقق استقلال اقتصادی و دفع تهاجم اقتصادی دشمن لازم است؛
۵. به صورت منطقی چنین تولیدکننده‌ای به فکر بیشینه‌سازی مقدار تولید خواهد بود؛
۶. تولیدکننده می‌تواند به دو روش مشارکت در سود و اجرت ثابت، عوامل تولید را استخدام کند؛
۷. برای سادگی مدل فرض می‌شود که سرمایه تولید ثابت است و هیچ هزینه

متغیر دیگری جز هزینه نیروی کار وجود ندارد؛
با این فروض در ادامه با برهان منطقی در قالب استفاده از ابزارهای ریاضی
و هندسی به تبیین الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در دو فرض مشارکت
نیروی کار و دستمزد ثابت پرداخته می‌شود.

۸-۱- الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در فرض مشارکت نیروی کار

در این فرض تولیدکننده جهادگر با قصد قربت به خداوند تمام توان فکری،
بدنی و مالی خود را به کار می‌برد تا تولید بیشینه شود. با وجود این، هزینه
تولید او را محدود می‌کند؛ زیرا فرض بر این است که سرمایه او به میزان \bar{K}
ثابت است. بر این اساس تابع هدف او به صورت زیر بیان می‌شود:

$$(1) \quad \max Y(N, \bar{K}) \\ \text{st: } TC = P_K \bar{K}$$

چون سرمایه ثابت است و قیمت سرمایه نیز به وسیله بازار تعیین می‌شود و
در کوتاه‌مدت ثابت فرض می‌شود، لذا هزینه تولید ثابت است. شرط حداکثر
تولید به صورت زیر بیان می‌شود:

$$(2) \quad \frac{\partial Y}{\partial N} = 0$$

یعنی تولیدکننده جهادگر در فرض مشارکت نیروی کار تا جایی نیروی کار
را استخدام می‌کند که تولید نهایی نیروی کار برابر صفر شود. ممکن است توهم
شود که هزینه نیروی کار باید به صورت قید در تابع هدف او ظاهر شود؛ زیرا
تولیدکننده بودجه محدودی برای استخدام نیروی کار دارد. ولی این توهم
درست نیست زیرا هزینه نیروی کار به صورت سهمی از سود فعالیت و پس از
تحقق سود تعیین و پرداخت می‌شود.

می‌توان اثبات کرد که در این فرض، حداکثر تولید همراه با حداکثر سود
است. برای اثبات این مطلب فرض می‌کنیم که انگیزه تولیدکننده بیشینه کردن
سود است. تابع سود تولیدکننده جهادی به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$(3) \pi = TR - TC = P.Y(N, \bar{K}) - P_k \cdot \bar{K}$$

سود کل بین نیروی کار و تولیدکننده جهادی به نسبتی که در قرارداد مشارکت تعیین می‌شود، تقسیم می‌گردد. اگر سود یک واحد نیروی کار به صورت $\pi = \frac{\pi}{N}$ نشان داده شود و نسبت سهم نیروی کار از سود v نامیده شود، در این صورت، سهم سود یک واحد نیروی کار $v \cdot \pi$ و کل سود متعلق به نیروی کار شاغل در بنگاه چنین محاسبه می‌شود:

$$(4) \pi_N = v \cdot \pi \cdot N = v \cdot \frac{\pi}{N} \cdot N = v \cdot \pi$$

بنابراین، سهم سود تولیدکننده π_i به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

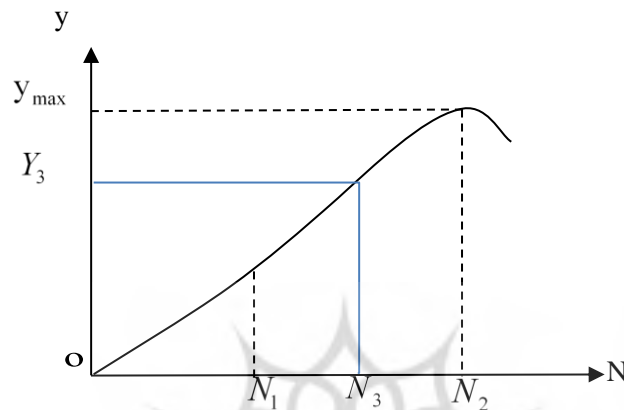
$$(5) \pi_i = \pi - \pi_N = \pi - v\pi = (1-v)\pi$$

فرض بر این است که تولیدکننده به دنبال بیشینه کردن سود خود در چارچوب بازار مشارکت نیروی کار است. پرسش این است که چنین تولیدکننده‌ای چه مقدار نیروی کار تقاضا می‌کند. بی‌تردید تولیدکننده تا جایی نیروی کار را تقاضا می‌کند که سودش حداکثر شود؛ بنابراین، باید از قاعده حداکثرسازی سود استفاده شود. شرط اول حداکثرسازی سود چنین است:

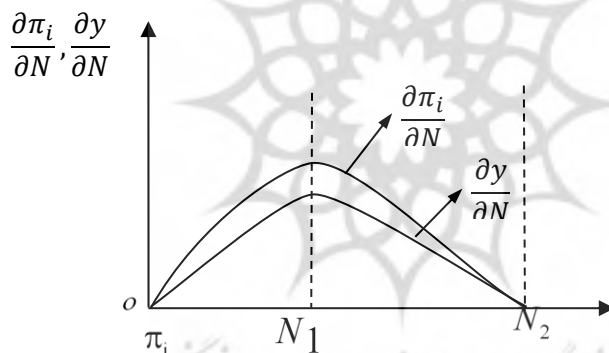
$$(6) \frac{\partial \pi_i}{\partial N} = (1-v) \left(\frac{\partial \pi}{\partial N} \right) = (1-v) \cdot P \cdot y'_N = 0$$

چون $(1-v)$ و P بزرگتر از صفر هستند، نقطه حداکثر سود در این صورت در جایی که $y'_N = 0$ باشد اتفاق می‌افتد که همان نقطه حداکثر تولید است. این مطلب در نمودار (۱) نشان داده شده است. در نمودار (۱-الف) منحنی تولید کل با نقطه عطف A و نقطه ماکزیمم B نشان داده شده است. در نمودار (۱-ب) منحنی تولید نهایی دیده می‌شود که در نقطه عطف تولید کل در سطح N_1 به حداکثر می‌رسد و در نقطه ماکزیمم تولید کل در سطح اشتغال N_2 صفر می‌شود. در این نمودار، منحنی سود نهایی نیز نشان داده شده است. با توجه به فرمول (۶) چون $(1-v)P$ به منزله ضریبی مستقل از N و بنابراین ضریبی ثابت برای y'_N است، منحنی سود نهایی نیز در سطح N_1 حداکثر شده، در سطح N_2

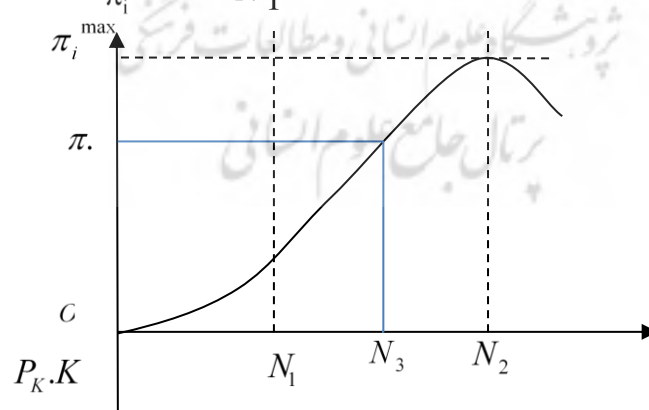
به صفر می‌رسد. در نمودار (۱-ج) سود کل کارفرما با توجه به رابطه (۵) و منحنی سود نهایی در نمودار (۱-ب) رسم شده است.
(نمودار ۱-)



(۱- الف)



(۱- ب)



(۱- ج)

چنان‌که مشاهده می‌شود، سود کل همچون تولید کل در سطح اشتغال N_p به حداکثر می‌رسد؛ بنابراین، چنین بنگاهی به اندازه N_p نیروی کار را تقاضا خواهد کرد و تقاضای او مستقل از تغییرات سطح سود، نسبت سهم سود نیروی کار (v) و تغییرات سطح قیمت (P) است. اگر v کاهش یا P افزایش یابد، با توجه به فرمول (۶) منحنی سود نهایی در نمودار (۱-ب) به سمت بالا منتقل می‌شود؛ ولی به دلیل آنکه منحنی تولید نهایی تغییری نکرده، نقطه حداکثر سود باز هم در سطح اشتغال N_p یعنی جایی که $y'_N = \pi'_N = 0$ اتفاق می‌افتد.

در خاتمه این بحث دوباره یادآوری می‌شود که هدف تولیدکننده جهادگر در این فرض حداکثر کردن تولید است نه سود. با وجود این، ساختار بازار مشارکت اقتضا دارد که حداکثر تولید با حداکثر سود همراه باشد. تولیدکننده جهادگر که تمام تلاش خود را برای تولید در راه خدا و برای او به کار می‌برد به صورت منطقی سود مازاد بر حداقل سود مورد نیازش را برای توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری می‌کند تا بتواند بیشتر تولید کند.

۸-۲- الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در فرض پرداخت دستمزد

در این فرض تولیدکننده جهادگر به دنبال حداکثر کردن تولید (Y) با حداقلی از سود (π) است. تابع هدف تولیدکننده به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$(7) \quad \max Y(N, \bar{K})$$

$$st: \pi = \pi_c = P \cdot Y(N, \bar{K}) - W \cdot N - P_K \cdot \bar{K}$$

π حد اقل سود مورد نیاز تولیدکننده است. با توجه به اینکه قیمت کالای تولیدی و قیمت عوامل تولید در بازار تعیین می‌شود و میزان سرمایه نیز ثابت است، این متغیرها به صورت پارامتر در تابع هدف و قید ظاهر می‌شوند. از این رو با به دست آوردن متغیر N از تابع قید و جاگذاری آن در تابع هدف به میزان تولید حداکثر خواهیم رسید.

این مطلب در شکل (۱-الف) و (۱-ج) نشان داده شده است. تولیدکننده

با توجه به تابع سود خود برای تحقق سود به مقدار π ناچار است مقدار N_3 از نیروی کار را تقاضا کند و با این مقدار از نیروی کار با فرض میزان سرمایه ثابت حداکثر میزان تولید او به مقدار Y_3 خواهد بود.

- نکته پایانی

آنچه تاکنون بیان شد بر اساس محاسبات در نظام علت و معلول مادی و بدون در نظر گرفتن امدادهای غیبی خداوند نسبت به تولیدکننده جهادگر است. از آیات و روایات استفاده می‌شود که خداوند کسی را که در راه او جهاد می‌کند نصرت می‌نماید. برای نمونه برخی از آیات ذکر می‌شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنکبوت، ۲۹:۶۹)؛ و کسانی که در اقامه دین ما مجاهده می‌کنند ما به سوی راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است». بر اساس این آیه جهاد در راه اقامه دین خدا موجب هدایت و نصرت الهی می‌شود. بی تردید جهاد در عرصه تولید برای استقلال کشور اسلامی و دفع تهاجم اقتصادی دشمنان، مجاهده در راه اقامه دین است که هدایت و نصرت الهی را در پی دارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُنَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد ۴۷:۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر دین خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری کرده، قدم‌هایتان را ثابت می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه مؤمنان را تحریک می‌کند به جهاد و وعده نصرتشان می‌دهد، در صورتی که خدا را نصرت دهند. و منظور از "نصرت دادن به خدا" جهاد در راه او و تنها به منظور تأیید دین او و اعلاای کلمه حق است، نه اینکه جهاد کنند تا در زمین سروری نمایند یا غنیمت به چنگ آرند یا

۱. نصرت الهی از عبارت «ان الله مع المحسنين» استفاده می‌شود (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۲۸).

شجاعت و هنر خود را نشان دهند و مراد از اینکه فرمود: «خدا هم شما را یاری می‌کند» این است که اسباب غلبه بر دشمن را برایتان فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۷).

خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّ يَنْصُرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران، ۳: ۱۶۰)؛ اگر خدا شما را یاری کند، محال است کسی بر شما غالب آید. بدیهی است که جهاد اقتصادی در عرصه تولید به هدف تأمین نیازهای جامعه و عدم نیاز به دشمن و دفع تهاجم اقتصادی دشمن از مصادیق بارز نصرت دین خداست و بر اساس این آیات نصرت الهی را در بر دارد.

نتیجه

در این مقاله توضیح داده شد که تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است. تولیدکننده جهادگر برای خدا و در راه او تمام توان فکری، بدنی و مالی خود را برای حداکثر کردن تولید مورد نیاز جامعه به کار می‌برد. همچنین در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با فرض سرمایه ثابت نشان داده شد که چنین تولیدکننده‌ای بهتر است برای استخدام عوامل تولید از روش مشارکت در سود استفاده کند تا حداکثر تولید را با حداکثر سود به دست آورد. در این صورت او سود مازاد بر حداقل میزان مورد نیاز خود را برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر به کار خواهد برد.

در صورتی که استفاده از روش مشارکت در سود به هر دلیلی ممکن نباشد، تولیدکننده جهادگر تولید خود را با قید دستیابی به حداقل سود مورد نیاز به حداکثر می‌رساند.

در پایان نیز یادآوری شد که اگر تولیدکننده در عرصه تولید جهاد کند، هدایت و نصرت الهی را به همراه خواهد داشت و نتایجی که به آن دست می‌یابد مضاعف خواهد شد.

منابع

۱. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «**نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی**»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، مقاله ۲، دوره ۲، شماره ۵، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام - کمیسیون نظارت.
۲. البعلی، عبدالحمید محمود (۲۰۰۱/م ۴۲۱/هـ)، **أصول الاقتصاد الاسلامی**، الاولى، بیروت: دارالداوی.
۳. بلاگ، مارک (۱۳۸۰)، **روش‌شناسی علم اقتصاد**، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران: آرایه.
۶. زنگی نژاد، آیت‌الله (۱۳۹۲)، **نگاهی نوین به نظریه تولید در چارچوب اقتصاد اسلامی**، مطالعه کاربردی: مدلسازی تابع تولید بومی صنایع هوایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اقتصادی.
۷. سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان (۱۳۷۵)، **مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی**، ترجمه حسین صادقی، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۸. صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۷۸)، «**رفتار تولیدکننده اسلامی**»، کتاب **مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی**، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی
۱۰. عبدالمنان، محمد (۱۳۷۸)، «**اهداف و رفتار بنگاه در ساختار اسلامی**»، کتاب مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. عزتی، مرتضی (۱۳۸۹)، «**تبیین نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان**»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۹.
۱۲. عسکری، محمد مهدی و مجید عنانپور (بهار ۱۳۹۲)، «**مطلوبیت-گرایی در رفتار تولیدکننده مسلمان بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی**»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲.
۱۳. غنی نژاد، موسی (۱۳۷۶)، **مقدمه ای بر معرفت شناسی علم اقتصاد**، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه
۱۴. قحف، منذر (۱۳۷۶)، **مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی**، ترجمه عباس عرب مازار، چاپ اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
۱۵. کاشف الغطاء (۱۳۸۰)، **کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء**، قم: بوستان کتاب.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)، **اصول الکافی**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۷. اللاری، سید عبدالحسین (بی تا)، **وسائل**، اعداد السید علی میر شریفی، ج ۱.
۱۸. متوالی، م.م (۱۳۷۸)، «مدل رفتاری بنگاه اسلامی»، کتاب مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

۱۹. مرطان، سعید سعد (۱۴۲۰ هـ / ۱۹۹۹ م)، **مدخلٌ للفكر الاقتصادي في الاسلام**، الثالثه، بيروت: مؤسسه الرساله.
۲۰. مرواريد، على اصغر (۱۴۱۰ ق)، **الينابيع الفقهية**، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.
۲۱. منتظري، حسين علي (۱۳۶۷)، **مباني فقهی حکومت اسلامی**، ترجمه و تقرير محمود صلواتي، تهران: كيهانمير معزي، سيدحسين (۱۳۸۲)، «نظريه رفتار توليدكننده و تقاضای كار در اقتصاد اسلامي»، فصلنامه اقتصاد اسلامي، شماره ۱۳.
۲۲. ميرمعزي، سيدحسين (۱۳۹۰)، **نظام اقتصادي اسلام: مباني، اهداف، اصول راهبردي و اخلاق**، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي
۲۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۳ ق)، **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**، بيروت: دارالاحياء التراث العربي.
۲۴. الورعي، السيدجواد (۱۴۲۴)، **المبادئ التشريعية لنظرية الدفاع في الفقه الإسلامي**، ترجمه حيدر حبالله، مجله فقه أهل البيت (عربي)، السنة الثامنة، العدد ۳۲.
۲۵. يونس المصري، رفيق (۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۱ م)، **بحوث في الاقتصاد الإسلامي**، الاولى، سورية: دارالمكتبي.
26. al-Safar, Abdul Kareem (1998), "Use of Non-linear Programming in Achieving Equilibrium of an Islamic Firm", *Humanomics*, 14(2), PP: 74-89.
27. Bendjilali, Boualem, and Farid B. Taher (1990), "A Zero Efficiency Loss Monopolist: An Islamic Perspective", *The American Journal of Islamic Social Sciences*, 7(1): PP. 219-32.
28. Hallaq, Said (1995), "Rationality in Production: The Case of the Muslim Firm", *Humanomics*, 11 (4), PP. 29-38.
29. Mohamad. Amin, Ruzita, and Selamah Abdullah Yusof (2003), "Allocative Efficiency of Profit Maximization: An Islamic Perspective", *Review of Islamic Economics*, 13, PP. 5-22.